



انتخابات و طایفه‌گرایی با تأکید بر روند انتخابات مجالس پنجم تا هشتم شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی

علی شمس‌الدینی *

چکیده

انتخابات و تکیه بر رأی‌گیری عمومی به عنوان اولین سنگ بستر دموکراسی و رهیافتی به منظور دستیابی به توسعه پایدار انسانی؛ از جمله اشکال اساسی مشارکت سیاسی شهروندان برای تأثیرگذاری بر گزینش اعضای حکومت، برنامه‌ها و انتقال اراده ملت به دولتمداران جهت اداره کشور می‌باشد. اما این مشارکت و تصمیم‌گیری همیشه و در هر مکانی از روی درایت و انتخاب فردی نمی‌باشد، بطوری که وجود عصبیت‌های قومی / قبیله‌ای، وفاداری به نظام‌های ایلی - خانوادگی و اعتقادات خاص ایدئولوژیک در بسیاری از جوامع جهانی نه بطور کلی، اما تا حدودی توانسته بر تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی تأثیر بگذارد و آن را به سمت رسیدن به یک انتخاب جمعی بر پایه «هویت فرهنگی خاص» سوق دهد.

این پژوهش که تحقیقی بنیادی است با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی بر آن است تا ضمن بررسی مبانی نظری؛ پیرامون انتخابات، فرهنگ سیاسی و نقش هویت‌های قومی / طایفه‌ای در این روند، به مطالعه رفتار انتخاباتی مردم حوزه انتخابیه ممسنی در دوره‌های پنجم تا هشتم مجلس شورای اسلامی بپردازد. همچنین با بررسی‌های میدانی و استفاده از شیوه پرسشگری چرایی این تصمیم‌گیری و رأی‌دهی بر اساس طایفه‌گرایی را در منطقه تحلیل نماید. نتایج تحقیق حاکی از نقش‌آفرینی پررنگ هویت طایفه‌ای در جهت‌دهی به گزینش نماینده در کلیه دوره‌های رأی‌گیری مورد بررسی دارد. که این عموماً به دلیل مشارکت سیاسی افراد بر مبنای پایداری به اصول و سنن نانوشتنه ایلی در راستای برخورداری از منافع شخصی و عمومی می‌باشد. همچنین خاص‌گرایی نماینده‌منتخب در توزیع منابع و منافع میان ساکنین طوایف مختلف شهرستان و روند انتصاب مسئولین و مدیران ارشد ممسنی به طور غیرمستقیم تأثیری به سزا در طایفه‌گرایی و تداوم این روند در ناحیه داشته است.

کلید واژه‌ها

انتخابات، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، طایفه‌گرایی، ممسنی

*. استادیار جغرافیای انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت Email: A_shamsoddini@miau.ac.ir

مقدمه

در نظام‌های سیاسی و حکومتی مختلف؛ انتخابات و تکیه بر رأی‌گیری عمومی از نمادهای اصلی توسعه‌خواهی^۱ یک ملت در راستای قانونمداری محسوب می‌شود. به عبارت دیگر دموکراسی پارلمانی و به تبع آن؛ دموکراسی مشارکتی نمونه بارزی از حضور و دخالت آشکار ملت در تعیین مسیر زندگی و سرنوشت سیاسی - اقتصادی خویش می‌باشد. از این‌رو هر ملت و هر «قومی»^۲ در راستای حق تعیین سرنوشت خویش در طی تاریخ اجتماعی - سیاسی هر سرزمینی از ابزار و خربه‌های سازگار با زمان و مکان خود استفاده می‌کرده است. در این راستا انتخابات و رأی‌گیری با تکیه بر صندوق‌های رأی یکی از بارزترین تجلیات مشارکت سیاسی انسان در دنیای متمدن امروزی می‌باشد. هرچند در این راه اقتدارگرایی به همراه تعصبات و تبعیضات قومی/ قبیله‌ای و ایدئولوژیک - مذهبی (عموماً در جوامع جهان سوم) مانع از تحقق اصل آزادی انتخاب و دستیابی به آنچه که به نام دموکراسی می‌شناسیم، می‌شود. اما باز هم نمی‌توان از اراده مردم در تعیین مسیر حاکمیت خویش بر پایه مشارکت سیاسی و انتخابات جلوگیری نمود.

بدین منوال؛ در این برهه از زمان که رشد سریع فناوری، اطلاعات و روابط اقتصادی - اجتماعی مابین دولت و ملتها در عرصه بین‌الملل سبب نوعی درهم‌تنیدگی جوامع به یکدیگر در راستای فراهم‌آوردن زمینه‌های توسعه همه‌جانبه گشته است. همانگی بین ابعاد گوناگون توسعه جهت پایداری اثرات این رفاهمندی همگانی^۳ لازم و ضروری است. بنابراین توسعه اقتصادی - اجتماعی بدون توسعه سیاسی عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد. بعبارت دیگر، با توسعه سیاسی، مشارکت نسبی مردم در امور سیاسی و اجتماعی جامعه بالنسبه افزایش می‌یابد و بدین ترتیب زمینه‌های نهادی را برای شکل‌دهی دولت پاسخگو و تدوین و اجرای خط‌مشی‌های رفاهی جامعه فراهم می‌کند. و از این طریق است که توسعه سیاسی می‌تواند اثر کاهنده روی نابرابری اجتماعی - اقتصادی داشته باشد.^(۱) پس، پیشبرد و تقویت سیستم مردم‌سالار پیش‌نیاز و یکی از مهم‌ترین اجزای اساسی فرایند توسعه ملی می‌باشد. در این راستا مشارکت سیاسی بعنوان فعالیتی داوطلبانه که اعضای یک جامعه برای انتخاب حکام به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی انجام می‌دهند^(۲) از نمادهای بارز و پایه‌های اساسی توسعه سیاسی در جوامع جهانی به شمار می‌رود.

1 . Expansionist (Development)

2 . Race / Ethnic / Tribal

3 . General Welfare

آنچه که در این مشارکت سیاسی مهم است انگیزه و چرایی انتخاب و نوع گزینش کاندیدا و مهم‌تر از همه فرهنگ سیاسی حاکم بر افرادی است که در این انتخابات شرکت می‌جویند. کما اینکه تحقیقات در جوامع و فرهنگهای مختلف هریک بیانگر بالابودن سطح معناداری مثبت بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی، درک دینی از سیاست (دینداری)، مشارکت در انجمن‌های مدنی و جامعه‌پذیری افراد با فرهنگ سیاسی حاکم بر تفکر مردم است.^(۳) بنابراین در جریان انتخابات مختلف و در چارچوب ساختارهای اجتماعی - اقتصادی حاکم بر عرصه‌های یک سرزمین، رأی‌دهندگان ممکن است بر پایه مؤلفه‌های متفاوتی همچون داشتن گرایشات سیاسی ثابت، ویژگیهای فردی و شخصیتی، توجه به برنامه‌ها و اهداف، وابستگی‌های حزبی - خانواده‌گی، تبلیغات و نقش وسایل ارتباط جمعی و همچنین عضویت در گروههای قومی و تعصب بر هویت مکانی/ فرهنگی خاص برای تصمیم‌گیری و رأی‌دهی به نامزدهای مورد نظر استفاده کنند.

بدین ترتیب مشارکت سیاسی و رأی‌دهی بر مبنای تعصب و هویت قومی/ طایفه‌ای و تفکرات ایدئولوژیک یکی از انگیزه‌های افراد برای شرکت در انتخابات است. به گونه‌ای که توجه به روندهای سیاسی - اجتماعی حاکم بر بسیاری از کشورهای جهان سوم به ویژه کانون‌هایی که زمانی عامل استعمار در آنجا نقش و نفوذ داشته‌اند، گواه از برخورد، گزینش و تصمیم‌گیری بر پایه تعصبات، نژادگرایی و علقه‌های قومی/ خویشاوندی دارد.^(۴) در این بین مشارکت سیاسی رأی‌دادن بر بستری از هویت طایفه‌ای/ مکانی در کشور ما از انقلاب مشروطیت و برگزاری اولین دوره انتخابات تاکنون در بین اکثریت مردم به ویژه در روستاها و شهرهایی که خاستگاه ایلایاتی - عشیره‌ای داشته و بر پایه هویت‌های همگرایانه قومی - طایفه‌ای شکل گرفته‌اند، عاملی مهم و تأثیرگذار در جریان انتخابات می‌باشد.

شهرستان ممسنی بعنوان یکی از چندین منطقه جغرافیایی کشور که دارای خاستگاه قومی لر و با هویت ایلایاتی و دست‌بندی‌های طایفه‌ای/ خانوادگی است، از این مورد مستثنی نمی‌باشد. به طوری که در اکثر مشارکت‌ها و رقابت‌های سیاسی - اجتماعی در سطح ناحیه فاکتور هویتی «تعلق طایفه» نقشی به سزا در تصمیم‌گیری‌ها و مناسبات حاصل از این روند داشته است. در این پژوهش تلاش است که مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی ساکنین روستایی و شهری حوزه انتخابیه ممسنی را با تکیه بر آمارهای رأی‌گیری دوره‌های پنجم تا هشتم مجلس شورای اسلامی با حجم نمونه آماری ۵۰ روستا و سه محله شهری (با تفکیک هویت طایفه‌ای مکان‌ها) مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. همچنین از راه مطالعات میدانی ضمن بررسی عملکرد مدیریتی نمایندگان منتخب شهرستان در انتصاب مدیران ارشد ممسنی با توجه به «هویت طایفه‌ای» این مسئولین، و نیز مصاحبه با تعدادی از معتمدین و تحصیلکردگان طوایف مختلف

ممسنی چرایی این رفتار سیاسی و الگوی رأی‌دهی افراد بر اساس طایفه‌گرایی و علل تداوم آن را در ناحیه تجزیه و تحلیل نمائیم.

گفتمان نظری:

الف) - انتخابات و فرهنگ سیاسی در ایران:

در راستای دستیابی به پیشرفت و توسعه پایدار^(۱) توجه به تمامی ابعاد توسعه و هماهنگی میان اجزا، عناصر و کارکردهای این فرایند تحول‌خواه در کلیه عرصه‌های ملی، ناحیه‌ای و محلی یک سرزمین لازم و ضروری است. از این‌رو توسعه اقتصادی-اجتماعی و سیاسی مجموعه‌ای به هم پیوسته از تغییرات از جمله رشد تولید، بهبود سطح بهداشت، افزایش امید به زندگی، رفاه مادی بیشتر، ارتباطات گسترده‌تر و پیچیدگی اجتماعی-اقتصادی را در یک جامعه به وجود می‌آورد. (۵) که این روند در گذر زمان و با ایجاد بسترهای مناسب سیاسی به دموکراتیک‌شدن جامعه و بهبود وضعیت معیشتی همه افراد آن جامعه می‌انجامد. در این بین توجه به مشارکت سیاسی مردم و برگزاری انتخابات آزاد^۲ و سالم با تکیه بر صندوق‌های رأی یکی از ابزارها و زمینه‌های رسیدن به توسعه‌سیاسی در هر جامعه‌ای می‌باشد. به عبارت دیگر؛ مشارکت مردم در انتخابات اثرات بسیار زیادی روی توسعه پایدار جامعه دارد: انتخاب سیاست‌گذاران و اداره‌کنندگان امور جامعه، انتخاب سیاست‌ها، برنامه‌ها و چگونگی اداره امور جامعه، گردش قدرت و در نتیجه اعمال فشار روی قدرتمندان و همچنین مشروع‌نمودن نظام، قدرت‌نمایی به خارج، پیوند علایق و ایجاد همبستگی و بیان مخالفت و نارضایتی^(۱)؛ پاسخگوتر شدن حکومت، احساس مسئولیت بیشتر شهروندان مشارکت‌کننده برای حل مسائل جامعه، کاهش نابرابری و تأکید نخبگان بر خواسته‌هایشان از جمله پیامدهای حاصل از برگزاری و شرکت در انتخابات در یک کشور است. (۷)

آنچه در این مشارکت و به تبع آن توسعه سیاسی یک جامعه مهم و تأثیرگذار است؛ توجه به ارزش‌ها و فرهنگ سیاسی حاکم بر مردم و اداره‌کنندگان آن سرزمین می‌باشد. به بیانی: اگر ما «فرهنگ» را مجموعه‌ای از فعالیت‌های تحت حاکمیت قانون نمادین، مورد توافق همگانی، قابل اکتساب، یادگیری و انتقال^(۸) که واضح ساختار اجتماعی^۳ و اصل تنظیم‌کننده کنش اجتماعی^۴ در قالب روح حاکم بر فضای اجتماعی-روانی یک جامعه است، بدانیم. «فرهنگ سیاسی»^۵

- 1 . Sustainable Development
- 2 . General election
- 3 . Social Structural
- 4 . Action Social
- 5 . Political Culture

عبارت است از «یک توزیع خاص از مواضع سیاسی، ارزشها، احساسات، اطلاعات و مهارتهای تمامی اعضا، شهروندان و مدیران یک جامعه».^(۹) بنابراین شناخت و درک الگوها و هنجارهای درونی‌شده فرهنگ سیاسی ملت‌ها به ویژه در کشورهای درحال توسعه ما را آگاهانه‌تر به سمت تحلیل مسائل سیاسی، اجتماعی-اقتصادی، توسعه سیاسی و بالطبع توسعه ملی این سرزمین‌ها رهنمون می‌سازد.

از نقطه نظر سیاسی و تاریخی در دوران باستان پس از حمله اسکندر مقدونی مقداری از آداب و رسوم یونانیان از جمله تشکیل مجلس نمایندگان وارد زندگی ایرانیان شد. و در دوران جدید الگوی رأی‌دادن و شرکت در انتخابات بعنوان نمادی از مشارکت سیاسی مردم با الهام از کشورهای اروپایی منجمله فرانسه در ایران با تأسیس مجلس شورای ملی پیاده شد.^(۱۰) که این روند با تأثیرپذیری از دگرگونی‌های اقتصادی - سیاسی حاصل از رشد نظام سرمایه‌داری و تقابل سنت با مدرنیته در کشور، تحول‌خواهی و به تبعیت از آن پیروزی انقلاب اسلامی با تکیه بر اندیشه‌های ایدئولوژیک و مهم‌تر از همه تلاش برای آزادی، دموکراسی و جامعه‌مدنی؛ منجر به ایجاد تغییرات اساسی در اندیشه، عمل و مهم‌تر از همه فرهنگ سیاسی حاکم بر مردم و مدیران سیاسی جامعه گردید.

در جریان گذار به دموکراسی و بالطبع توسعه انسانی، «اقتدارگرایی»^۱ از چالش‌ها و موانع اساسی ایجاد توسعه سیاسی در هر جامعه‌ای؛ به ویژه در کشورهای درحال توسعه محسوب می‌شود. به‌گونه‌ای که تجربه بسیار اندک دموکراسی نسبت به سابقه تاریخی اقتدارگرایی در بیشتر این کشورها نقش مؤثری در شکل‌گیری رفتار و فرهنگ سیاسی حاکم بر مردم این سرزمین‌ها داشته است. در این میان کشور ما هم از جمله این کشورهاست؛ که «جهت گذار به دموکراسی در قالب سه موج (انقلاب مشروطیت، نهضت ضد استعماری نفت و انقلاب اسلامی ۵۷) تلاش‌هایی را به منصفه ظهور رسانیده است».^(۱۱) اما باز هم روندهای حاکم بر توسعه سیاسی کشور (قبل و بعد از انقلاب) نشان‌دهنده غیردموکراتیک بودن فرهنگ سیاسی ایرانیان، عدم علاقه به انجام فعالیتهای مشارکتی، داشتن روحیه محافظه‌کاری، استبداد و مطلق‌گرایی^۲ در بین ایرانیان، عدم شکل‌گیری پایه‌های جامعه‌مدنی و تکیه بر سنت و آداب و رسوم اجتماعی غیردموکراتیک در یک ساختار دموکراتیک است.^(۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵)

1 . Despotism

2 . Dogmatism

در این راستا «بشیریه» (۱۶) با توجه به ایدئولوژی و نگرش گروه‌های حاکمه ایران در طول قرن بیستم، فرهنگ سیاسی ایرانیان را به دلایل مختلف و پیچیده، «فرهنگ تابعیت»^۱ در مقابل «فرهنگ مشارکت»^۲ می‌داند. همچنین بر پایه تحقیقات «سریع‌القلم»، فرهنگ سیاسی ایران در طول تاریخ معرف آن است که دایره اعتماد میان افراد و به تبع آن، نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات بسیار اندک و محدود بوده است. یکی از آثار این کم‌اعتمادی، واگذاری نقشهای اجتماعی و سیاسی بر مبنای تعلقات خویشاوندی و قومی بوده است. وی حاکم بودن فرهنگ عشیره‌ای را بر فضای جامعه علل شکست جریان نوسازی ایران در دهه‌های اخیر می‌داند.^(۱۷) در نهایت مجموعه عوامل منتج از فرهنگ سیاسی حاکم بر کشور به همراه مدیریت ضعیف و ناکارآمد سیاسی-اقتصادی و همچنین تلاشهای توطئه‌گرایانه کشورهای «دشمن» در کنار شکل‌گیری فرهنگ عدم مسئولیت‌پذیری، بی‌تفاوتی سیاسی^۳ و عدم اعتماد و اطمینان در بین مردم از موانع اصلی رسیدن به سطوح عالی جامعه مدنی و نهایتاً توسعه ملی ایران در گذر تاریخ به شمار می‌رود.

ب) - خرده فرهنگ و تعلقات قومی :

به لحاظ مطالعات قومی/ نژادی؛ فرهنگ عنصر متمایزکننده افراد یک قوم از سایرین محسوب شده و به همین جهت، سبب ایجاد حساسیت میان دو گروه فرهنگی (قومی) مختلف در تعامل با یکدیگر می‌شود.^(۱۸) بدین منوال، هر انسانی تمایل دارد که هویت خود را آگاهانه در یک گروه خاص جستجو نماید و انسان‌هایی که در محدوده یک فرهنگ و یا قلمرو جغرافیایی خاص زندگی می‌کنند، به طور ناخودآگاه بر روی نمونه‌ای از دسته‌بندی و طبقه‌بندی خاص توافق می‌نمایند.^(۱۹) بدین ترتیب دسته، گروه و تعدادی از انسان‌ها به گونه واحد و یکپارچه زمینه‌های تشکیل یک «خرده فرهنگ»^۴ با ویژگیها و آداب و رسوم خاص اجتماعی را در جامعه فراهم می‌آورند. پس؛ خرده فرهنگ به گروههای اجتماعی مانند طایفه، تیره، عشیره و گروههای مکانی و محلی مانند مردم یک ناحیه یا روستا، گروههای شغلی، خویشاوندی، اقلیتهای مذهبی و بالاخره قشرهای مختلف اجتماعی یک جامعه اطلاق می‌شود که هر کدام در چارچوب اجتماعی خاص خود^(۲۰)، مجموعه سازمان یافته‌ای از پاسخهای مرتبط هستند که بر اساس

1 . Subject Culture
2 . Participant Culture
3 . Indifferent political
4 . Subculture

کوشش مردم برای انطباق پیدا کردن با فرصتها، محرک‌ها، پاداش‌ها، محرومیت‌ها و فشارهایی که از سوی محیط طبیعی یا جامعه به آن‌ها عرضه می‌شود، به وجود آمده‌اند.^(۲۱) در این راستا؛ هویت قومی یکی از انواع هویت جمعی است که با ویژگی‌های فرهنگی خاص، یک قوم را از اقوام دیگر متمایز می‌کند و بین اعضای یک قوم احساس تعلق به همدیگر ایجاد کرده و آن‌ها را منسجم می‌کند. به نحوی که داشتن حس تعلق به قوم، تبار و قبیله راهی برای هویت‌یابی جمعی است که مفهوم «ما» و «آنها» را شکل بخشیده و دارای ساختی اجتماعی همراه با اشاره به فرهنگ است.^(۲۲) بنابراین؛ برآورده شدن نیاز به هویت در افراد، خودآگاهی^۱ فردی را در انسان سبب می‌شود و ارضای حس تعلق میان یک گروه انسانی، خودآگاهی جمعی یا هویت قومی، تیره‌ای و ملی آن گروه انسانی را تعیین می‌کند.^(۲۳) به طور مثال در عصر حاضر تبلور یافتن هویت‌های قومی/ نژادی در شهرهای مدرن جوامع توسعه یافته^۲ و همچنین شهرهای کوچک و متوسط کشورهای جهان سوم^۳ در قالب «محل‌های قومی» با فرهنگ، آداب، الگوها و کارکردهای مختص به آن هویت امری شناخته شده و قابل تأمل است.

البته در زمینه گسترش خرده‌فرهنگ/ قوم‌گرایی؛ جهانی‌شدن و فرایندهای حاصل از آن نقشی به سزا دارد. بطوری‌که جهانی‌شدن باعث افزایش اهمیت منطقه‌گرایی، ملی‌گرایی محلی، قوم-گرایی محلی و واگذاری قدرت در زندگی مردم شده است.^(۲۴) همچنین؛ با فروپاشی فزاینده مرزهای سیاسی و فرهنگی و پیوستن روزافزون جوامع به جامعه جهانی، در همان حال که فرهنگ‌های خاص گوناگون به یکدیگر نزدیک می‌شوند؛ رویکرد عناصر هویت‌بخش خاص فرهنگی نیز افزایش می‌یابد.^(۲۵) روی هم رفته و بنا بر نظر «پلوس»^۴، جهانی‌شدن هویت قومی را انعطاف‌پذیر می‌کند، زیرا فرایند جهانی‌شدن نظرات مردم درباره خودشان را تغییر می‌دهد. به نظر محقق این مسأله، یعنی ساخت قومیت، یک استراتژی به دست آوردن سرمایه

1. Self-induction

۲. در این راستا پدید آمدن محل‌های چینی، یهودی، ایتالیایی، آلمانی، مسلمان و ... در شهرهای بزرگ دنیای توسعه‌یافته کنونی گویای آن است که هویت‌های قومی و خویشاوندی، ابزاری برای ورود به جامعه بزرگ و فرهنگ غالب و کاهش ضربات فرهنگی ناشی از برخورد مستقیم فرهنگ‌های نابرابر و غریب با یکدیگر هستند.

۳. در راستای تحقیقات (نظریان، ۱۳۸۸، فصلنامه آمایش): در قریب به اتفاق اکثریت شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک ایران نیز هویت محل‌ها عموماً براساس تعصبات قومی و پایگاه‌های خویشاوندی/ طایفه‌ای افراد بنیان گذاشته شده است، که از آن به عنوان شهر اقوام یاد می‌کنند.

4. Pluss

فرهنگی است که افراد از این سرمایه برای کسب دسترسی به منابع کمیاب در جهت تحقق بخشیدن به آمال خویش استفاده می‌کنند.^(۲۶)

ج) - طایفه‌گرایی و مشارکت سیاسی در ایران:

ایران کشوری چند قومی و با فرهنگ عشیره‌ای - ایلپاتی است، که تاریخ سیاسی آن در مقاطع مختلف زمانی از دوران باستان تا پایان حکومت قاجاریه با نقش فعال عشایر و قبایل گره خورده است.^(۲۷) بنحوی که سازمان‌های طایفه‌ای/ قبیله‌ای در چارچوب یک نظام ایلی و بر اساس رابطه‌های خونی - مکانی و همچنین مکانیزم‌های حاصل از مهاجرت، امور معیشتی و دست‌یابی به قدرت (در نزاع با جوامع شهری و روستایی) دارای ریشه‌های هویتی و میراث‌های اندیشه‌ای پایدار در تاریخ اجتماعی و فرهنگ سیاسی کشور هستند.^(۲۸) به عبارت دیگر نظام ایلپاتی در کشور، دارای ساختار اجتماعی بسیار سیستماتیک، منسجم و کارا می‌باشد. و برخی از عناصر این نظام همچون تجمع هم‌شهری‌ها، هم‌استانی‌ها و هم‌زبانی‌ها در فرهنگ امروز ما تعیین‌کننده و بازمانده از همان هویت‌خواهی جمعی ایلی در شکل نوین آن است.^(۲۹) بدین ترتیب ساکنان مختلف ایران امروزی مجموعه‌ی ناهمگونی از اقوام هستند که در کمتر دوره‌ای از تاریخ مشترک خود در این سرزمین انسجام و همگونی اجتماعی لازم را داشته‌اند. و در طول تاریخ سیاسی - اجتماعی کشور همیشه شاهد پیدایش فدراسیون و ترکیب متنوع ایلی، قبیله و طایفه‌ای و نقش‌آفرینی این دسته‌بندی‌های ایلی در ساختار قدرت و حکومت بوده‌ایم.

از آنجائیکه ساختمان اجتماعی ایلات و رده‌بندی‌های حاصل از این سیستم بر اساس خویشاوندی و نظام پدرتباری^۱ استوار است. در این نظام اجتماعی هر یک از افراد خود را متعلق به یک ایل و طایفه می‌دانند که باید به رسوم، هنجارها و دیگر قراردادهای اجتماعی موجود در این سیستم متعهد و پایبند باشند^(۳۰)؛ و خود را عضو یک جامعه دانستن نه تنها لازم، بلکه ارزش محسوب می‌شود. بنابراین، زندگی قبیله‌ای از درک زندگی مدنی بر پایه‌های دموکراسی و مشارکت فعال تمام افراد به منظور رسیدن به جامعه‌مدنی غافل است. حال؛ در هنگامه‌ی انتخابات و مشارکت افراد در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی؛ و رآی داشتن هرگونه مرام سیاسی و اعتقادات ایدئولوژیک، کسانی که عضو یک ایل و طایفه هستند، بر مبنای حس «تعلق طایفه» یا «تعلق مکانی» باید به شخص هم‌طایفه‌ای خود رأی دهند. چه بسا با پیروزی؛ قومیت و طایفه خاص در انتخابات از امتیاز بیشتری برخوردار می‌شود و در واقع بیشترین انگیزه را در اهالی آن طایفه برای رأی‌دهی ایجاد می‌نماید. عبارت دیگر شرکت در انتخابات نه با تکیه بر آگاهی افراد،

1 . Paternal System

بلکه به روابط خاصگرایی، عاطفی و سنتی بودن جامعه برمی‌گردد. که افراد با توجه به ارزشهای سنتی خویش به انتخاب نماینده دست می‌یازند و نماینده نیز در یک خاصگرایی ویژه منابع مادی و خدماتی را به سمت آنها سوق می‌دهد.^(۳۱) پس؛ این عصیت قومی / قبیله‌ای با اتکا بر هویت همبستگی جمعی^۱ افراد (به منظور دستیابی به اهداف خاص) است که تعیین‌کننده فرهنگ سیاسی و انگیزه انتخاب کاندیدای مورد نظر در پاره‌ای از مناطق کشور می‌باشد.

بدین‌منوال؛ در جوامع دارای فرهنگ سنتی مبنای هویت اجتماعی افراد ویژگی‌های انتسابی، خانوادگی، ایلی و خونی آنهاست. و نظام عشیره‌ای یا ایلی، نمود بارز این پیوندهای انتسابی است. از این‌رو تکیه بر هویت جمعی به منظور نیل به منافع عمومی و شخصی در کشور، به ویژه طایفه‌گرایی و تعصب که بازمانده از نظام ایلیاتی و پدرسالاری در مناسبات سیاسی - اجتماعی کشور می‌باشد، جزئی از خرده‌فرهنگ‌گرایی در روند مشارکت سیاسی جامعه است.

در این راستا «هیودی»^(۳۲) در تحقیقی تحت عنوان نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی، عقیده دارد که مشارکت قوم عرب نسبت به فارس در انتخابات ملی پایین بوده؛ اما در انتخاباتی که با انگیزه قومی صورت گرفته است، مشارکت افراد بالا بوده است. همچنین نتایج انتخابات ریاست جمهوری نهم در ایران، گواه از برجستگی‌های قومی و قبیله‌ای در یک رأی‌گیری ملی و نیز داشتن توجه بیشتر افراد به منافع قومی و قبیله‌ای در مصاف با منافع ملی است.^(۳۳)

بنابراین فارغ از خوب و بد و ارزش و ضد ارزش بودن قوم/ طایفه‌گرایی، «افرادی که به ریشه‌های مشترک خود دلبستگی دارند؛ با انسان‌هایی که این اشتراکات را دارند احساس نزدیکی و با انسان‌هایی که این اشتراکات را ندارند، احساس دوری و بیگانگی می‌کنند».^(۳۴) پس، در یک رقابت سالم و مسالمت‌آمیز که ترجمان درجه بلوغ فرهنگ سیاسی نخبگان^۲ و توده مردم^۳ در رقابت‌ها و قانون‌مداری است^(۳۵) افراد با این اندیشه که هر کس در قبیله ماست باید با ما و همگام ما باشد و هر کس در هویت قبیله یا طایفه دیگری است بر له ماست، حاضر به پذیرش وی به عنوان خودی نیستند و - گاهاً - همین مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی - اجتماعی در سطوح محلی، ناحیه‌ای و حتی ملی می‌گردد. نهایتاً تکرار این روند و

1 . Collectivity
2 . Enlightened / Elite
3 . the mass of the people

عدم انتخاب بر مبنای خردگرایی^۱ و شایسته‌سالاری^۲ در درازمدت زمینه‌ساز ضعف در عملکرد مدیریت و به تبعیت از آن توسعه‌نیافتگی بخشهای وسیعی از جامعه می‌گردد.

روش تحقیق:

در این پژوهش که تحقیقی بنیادی می‌باشد روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است، همچنین روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. که در آن اهداف پژوهش در راستای تحلیل رفتار سیاسی ساکنین شهرستان ممسنی در طی ۴ دوره از انتخابات مجلس شورای اسلامی در این حوزه انتخابیه مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در بحث ادبیات نظری گردآوری اطلاعات عمدتاً به شیوه کتابخانه‌ای و از کتب و نشریات داخلی و خارجی، مقالات و رساله‌های علمی بوده و آمارهای مورد نیاز نیز با استفاده از داده‌ها، اطلاعات و اسناد موجود از دوره پنجم تا هشتم مجلس شورای اسلامی در فرمانداری شهرستان ممسنی تهیه شده است.

در این راستا به صورت مطالعات میدانی با حضور در ناحیه مورد مطالعه و با استفاده از شیوه پرسشگری و مصاحبه (و نیز مطالعه اسنادی) ضمن بررسی روندهای مدیریتی نمایندگان منتخب مجالس هفتم و هشتم شورای اسلامی ممسنی در انتصاب مسئولین ارشد ادارات و نهادهای دولتی شهرستان، نوع نگاه و گزینش آنها را در این انتصابات بر پایه هویت طایفه‌ای مورد سنجش و ارزیابی قرار داده‌ایم. همچنین در خصوص چرایی و نحوه تصمیم‌گیری مردم در انتخاب نماینده شهرستان، به شیوه پرسشگری از افراد و شخصیت‌های بانفوذ منطقه از طوایف متفاوت با حجم آماری ۱۵۰ نفر استفاده شده است. که در نهایت با بررسی این دو موضوع در کنار هم علت تداوم روند طایفه‌گرایی در حوزه ممسنی را تحلیل نموده‌ایم.

از آنجاکه در شهرستان ممسنی پنج دسته از افراد با هویت طایفه‌ای خاص در بخشهای مختلف (با مکان‌گزینی در ۲ مرکز شهری، ۴ بخش، ۱۲ دهستان و ۶۱۲ نقطه روستایی) پراکنده شده‌اند، به منظور بررسی و تحلیل دقیق‌تر، از هر طایفه به تناسب پراکندگی در دهستان‌ها ۱۰ روستا با آمار جمعیتی بزرگتر از ۵۰۰ نفر، جمعاً ۵۰ روستا؛ و ۴ محله از شهر نورآباد و ۲ محله از شهر مصیری با توجه به جدایی‌گزینی ساکنین شهر بر اساس «هویت طایفه» در این کانون‌ها؛ با روش نمونه-

1 . Wisdom / Sagacious

2 . Suitability / Worthiness

گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. و آمار رأی‌دهی و نوع نگرش و رفتار سیاسی آنها را طی چهار دوره اخیر انتخابات نماینده مجلس شورای اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌ایم.

شناخت حوزه انتخابیه مورد مطالعه:

ناحیه مورد مطالعه در این پژوهش قلمرو سرزمینی «شولستان»^۱ قدیم است که در شمال غربی استان فارس و در مدار ۵۱ درجه و ۳۰ دقیقه در گستره‌ای به مساحت ۶۷۰۰ کیلومتر مربع قرار دارد. این منطقه به لحاظ سیاسی دربردارنده شهرستانهای ممسنی (تأسیس ۱۳۴۱) و رستم (تأسیس ۱۳۸۷)، با دو مرکز شهری نورآباد و مصیری و ۶۱۲ نقطه روستایی می‌باشد. که از شمال به شهرستان سپیدان و استان کهگیلویه و بویراحمد، از شرق به شیراز و از جنوب و جنوب‌غرب به کازرون و استان بوشهر متصل هستند. به لحاظ زمین‌ساختی این سرزمین در یک منطقه کوهستانی از رشته کوههای زاگرس با امتداد شمال‌غربی - جنوب‌شرقی و در میان دشتهای دامنه‌ای - رودخانه‌ای؛ با آب و هوای زمستانهای خنک و معتدل و تابستان‌های نسبتاً گرم و خشک واقع شده است.

بنابراین موقعیت جغرافیایی و اقلیمی شهرستان ممسنی به‌گونه‌ای است که این قلمرو از دوران باستان تاکنون مکانی برای بیلاق و قشلاق عشایر کوچرو بوده است. بنحوی که تشکیل اولین اجتماعات انسانی در این شهرستان با تاریخ عشایر و حکومت ملوک‌الطوایفی ایلات رقم خورده است.^(۳۶) ایل ممسنی یکی از ایلات قوم لر است که در یک نظام رده‌بندی اجتماعی بازمانده از سیستم عشیره‌ای قبل از اصلاحات ارضی؛ شامل چهار طایفه به نام‌های بکش، جاوید، رستم و دشمن‌زیاری می‌باشد. که نام هر یک از این طوایف به محلی (دهستان‌هایی) که در آن سکونت دارند اطلاق می‌گردد.^(۳۷) همچنین در محدوده جغرافیای ممسنی و در بخش ماهور میلاتی - در حدود ۷ درصد از جمعیت شهرستان - عشایر ترک‌زبان قشقایی زندگی می‌کنند.

نظام اجتماعی حاکم بر ممسنی قبل از «نوسازی» به ویژه اصلاحات ارضی؛ نظامی ایلی، سلسله‌مراتبی مبتنی بر اقتصاد کشاورزی و دام‌داری، محدود به روابط محدود و چهره به چهره و ازدواج‌های فامیلی یا درون‌گروهی بوده است.^۲ که در آن افراد وابستگی زیاد به رأس هرم

^۱ سرزمین ممسنی از زمان باستان که جزء دولت «انزان» بوده تا قرن چهارم هجری قمری به نامهای انشان، انبوران و نوبندگان خوانده می‌شد. و از قرن چهارم ه.ق تا اواخر هجده میلادی، نام شولستان به این منطقه اطلاق و بعد از این تاریخ نام ممسنی برگرفته از نام ایل لر زبان ممانی به این منطقه اطلاق گردید.

^۲ البته این بدان معنا نیست که قبیل از نوسازی، مردم این ایل هیچ شناختی از ایران و دنیای خارج نداشتند. بلکه منظور این است که زندگی شان نسبتاً مستقل بوده و نیازهایشان در چارچوب جغرافیایی سیاسی - اقتصادی ایل برآورده می‌شد.

قدرت طایفه یعنی خوانین و کدخداها داشتند. طایفه‌ها داری مرزبندی اجتماعی - سیاسی خاص خود بودند و دنیای ساکنین سرزمین ممسنی محدود به قلمرو جغرافیایی تیره و طایفه خود و کمی فراتر به جغرافیای ایل ممسنی محدود می‌شد. ^(۳۸) همچنین نوعی تطابق بین جهان‌بینی، نگرش‌های فرهنگی - اجتماعی، تقدیرگرایی و شرایط عینی زندگی وجود داشت. نهایتاً شرایط حاکم بر جامعه ایلی در ممسنی، «خاص‌گرایی» را می‌طلبید، و احترام به آن را ایجاد می‌کرد. ^(۳۹)

در دهه‌های اخیر با فروپاشی نظام ارباب - رعیتی، ورود تفکر و اعمال نوسازی‌گرایانه به این منطقه و مهم‌تر از همه پیروزی انقلاب اسلامی که با رویکرد محرومیت‌زدایی از روستاها موجبات مشارکت آنها را در ساختار عمومی جامعه فراهم آورد، سبب تغییرات بنیادین در ساختارهای اقتصادی - اجتماعی ممسنی شده است. بنحوی که بوم‌شناسی منطقه از بافت عشایری - روستایی به سمت بافت شهری در حال تحول و شکل‌گیری می‌باشد. بدین ترتیب؛ مدرنیزاسیون در سالهای اخیر بر انسجام فرهنگی - اجتماعی، شیوه زندگی و هویت اجتماعی - قومی ایل ممسنی اثر گذاشته است، اما این فرایند با وجود بالابردن سطح مراودات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایل به سطحی فراتر از «هم‌قوم»، نتوانسته به توسعه هویت جمعی از سطح «هم‌طایفه» به سطح «هم‌جامعه‌ای» بینجامد. ^(۴۰)

بدین‌منوال ساکنین شهرستان ممسنی چه شهری و روستایی علیرغم پذیرفتن بسیاری از مظاهر دنیای نوین و گسستن از شیوه زندگی سنتی و آداب و رسوم ایلیاتی - عشیره‌ای، باز هم روحیه تعصب و داشتن حس «تعلق طایفه» را همچنان حفظ نموده‌اند. به گونه‌ای که در برخوردهای کلامی - رفتاری افراد با یکدیگر، سکونت و زندگی در محلات شهر، انتصاب مسئولین شهرستان و مهم‌تر از همه در جریان مشارکتهای سیاسی و انتخابات به ویژه "تعیین نماینده مجلس شورای اسلامی"، در میان اکثریت سکنه شهر و روستاهای شهرستان شاهد زدوبندهای طایفه‌ای و خاص‌گرایی ایلی حاصل از آن هستیم.

یافته‌های پژوهش:

۱. رفتار و فرهنگ سیاسی رأی‌دهندگان ممسنی:

از آنجائیکه هدف از تحقیق بررسی روند انتخابات مجلس شورای اسلامی در ممسنی با تکیه بر فرهنگ طایفه‌گرایی و چرایی تداوم چنین رفتار سیاسی حاکم بر ساکنین شهرستان است. در آغاز با استفاده از داده‌های موجود در فرمانداری ممسنی در ۵۰ روستای مورد مطالعه از

دهستان‌های شهرستان با هویت طایفه‌ای و دو محله از شهر نورآباد و یک محله از شهر مصیری (با جدایی‌گزینی سکنه بر اساس طایفه) رفتار سیاسی و نحوه رأی‌دهی آنها را به نامزدهای انتخابات از دوره پنجم تا هشتم مجلس شورای اسلامی مقایسه و بررسی می‌نماییم.

در ابتدا روند انتخابات مجلس پنجم در سال ۱۳۷۴ به عنوان پایه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این دوره از انتخابات که در دو مرحله اجرا شد. در مرحله اول ۱۰ نفر کاندیدا شدند. که از این تعداد ۱ نفر نامزد از طایفه جاوید، ۳ نفر از رستم، ۱ نفر ترک زبان و ۵ نفر از طایفه بکش کاندیدا شده بودند. در این مرحله بیش از ۹۸ درصد از واجدین شرایط شهرستان در انتخابات شرکت کردند. بررسی‌های آماری حاکی از بالاترین تعصب رأی‌دهی مربوط به رأی‌دهندگان روستایی طایفه جاوید است که با ۸۴/۱ درصد به نامزد هم‌طایفه خود رأی داده‌اند. همچنین شرکت‌کنندگان طایفه رستم ۸۲/۱ درصد از آرای خود را به نفع نامزدهای هم‌طایفه‌ای خویش به صندوق ریخته‌اند. طایفه دشمن‌زیاری علیرغم اینکه نامزدی از طایفه خود نداشته‌اند، اما در یک «دیگر طایفه‌گرایی» با ۸۲/۱ و ۱۵/۹ درصد آرا به نامزدهای دو طایفه بکش و رستم رأی داده‌اند. و حتی یک درصد رأی هم به نامزدهای دو طایفه دیگر اختصاص داده‌اند. رأی‌دهندگان ترک‌زبان هم به نسبتی کم رنگ‌تر با ۷۶ درصد رأی به نفع کاندیدای هم‌طایفه خود در رأی‌گیری شرکت جسته‌اند. ساکنین روستاهای طایفه بکش نیز با کمترین تعصب ۶۵/۵ درصد از آرای خود را به نفع نامزدهای طایفه خود به صندوق ریخته‌اند. در حوزه‌های رأی‌گیری شهر نورآباد طایفه‌گرایی به نسبت معمول در روستاها متعادل‌تر می‌باشد بطوریکه رأی‌دهندگان محلات بکش با ۶۱ درصد آرا به نامزد هم‌طایفه خود رأی داده‌اند. در محلات و حوزه‌های محل سکونت طایفه جاوید نیز افراد فقط ۴۱/۶ درصد از آرای خود را به نفع نامزد هم‌طایفه خود به صندوق ریخته‌اند. (جدول شماره ۱).

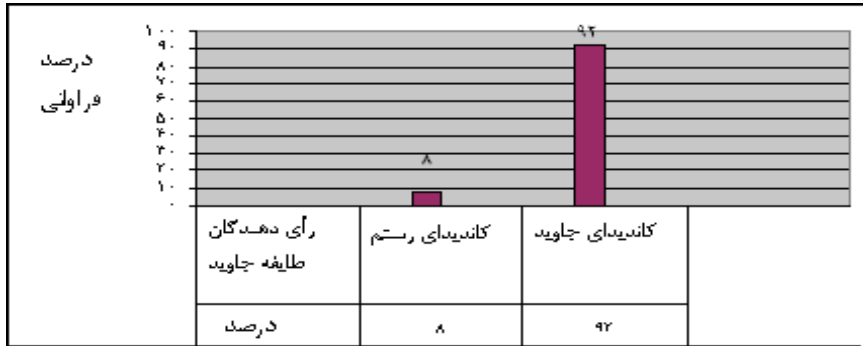
در مرحله اول از دوره پنجم انتخابات هیچکدام از نامزدها نتوانستند حد نصاب آراء مورد نیاز را به دست بیاورند. انتخابات به مرحله دوم کشیده شد. ۱ نفر از طایفه رستم و ۱ نفر از طایفه جاوید به این مرحله از انتخابات راه یافتند. می‌توان گفت: در این مرحله ویژگی‌های «شخصیتی و رفتاری نامزدها» به همراه «گذشته تاریخی» و عملکرد آنان در سخنرانی‌ها تأثیری به سزا در جذب آرای رأی‌دهندگان دیگر طوایف داشته است. بطوری‌که علیرغم رأی‌دهی ۹۲ درصد از رأی‌دهندگان طایفه جاوید به نامزد هم‌طایفه خود، کاندیدای طایفه دیگر با وجودی که فقط ۷۸/۸ درصد از آرای هم‌طایفه‌های خود را به همراه داشت؛ توانست با جذب اکثریت رأی - شرکت‌کنندگان دیگر طوایف ممسنی به مجلس راه بیابد (نمودارهای شماره ۱ تا ۵).

انتخابات و طایفه‌گرایی با تأکید بر روند انتخابات مجالس پنجم تا هشتم شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی

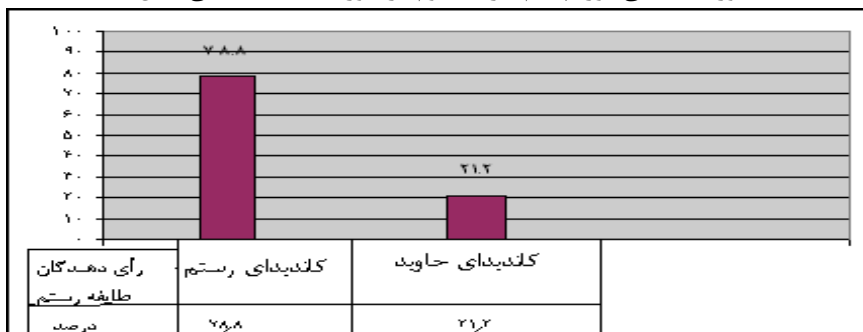
طایفه رای‌دهنده / طایفه	بکیش	بکیش	رستم	جاوید	عشایر/ ترک
جمع آرا	۸۷۹۰	۵۷۶۷	۱۶۴۲	۷۲۴	۷۰۱
درصد	۱۰۰	۶۵/۵	۱۸/۶	۸/۲	۷/۷
طایفه	رستم	بکیش	رستم	جاوید	عشایر/ ترک
جمع آرا	۸۹۰۰	۱۲۶۴	۷۲۱۶	۲۸۴	۲۳
درصد	۱۰۰	۱۴/۲	۸۲/۱	۳/۲	۰/۲
طایفه	جاوید	بکیش	رستم	جاوید	عشایر/ ترک
جمع آرا	۶۸۴۶	۵۷۰	۶۸۹	۵۸۳۷	۴۵
درصد	۱۰۰	۸/۲	۹/۲	۸۴/۱	۱/۵
طایفه	دشمن‌زیاری	بکیش	رستم	جاوید	عشایر/ ترک
جمع آرا	۷۸۸۲	۶۵۵۱	۱۲۶۱	-	-
درصد	۱۰۰	۸۲/۱	۱۵/۹	-	-
طایفه	عشایر/ ترک	بکیش	رستم	جاوید	عشایر/ ترک
جمع آرا	۴۵۴۵	۵۲۱	۷۳۵	۱۵۴	۳۴۹۰
درصد	۱۰۰	۱۰	۱۵/۵	۲/۳	۷۶
محلات شهر / طایفه - رأی دهنده	حوزه/ محله سکونت طایفه بکیش - نورآباد	بکیش	رستم	جاوید	عشایر/ ترک
جمع آرا	۱۹۹۳	۱۲۱۶	۳۰۶	۲۴۲	۲۲۹
درصد	۱۰۰	۶۱	۱۵/۳	۱۲/۱	۱۱/۴
محلات شهر / طایفه رأی دهنده	حوزه/ محله سکونت طایفه جاوید - نورآباد	بکیش	رستم	جاوید	عشایر/ ترک
جمع آرا	۲۰۸۶	۷۳۹	۳۴۷	۸۶۴	۱۳۲
درصد	۱۰۰	۳۵/۴	۱۶/۶	۴۱/۶	۶/۳

مأخذ: فرمانداری شهرستان ممسنی، نتایج انتخابات مجلس پنجم شورای اسلامی، مرحله اول، ۱۳۷۴ (۴۱)
 جدول شماره ۱، درصد رأی‌دهی افراد در حوزه‌های روستایی و شهری ممسنی بر اساس هویت طایفه‌ای
 نامزدها در انتخابات مجلس پنجم شورای اسلامی، مرحله اول

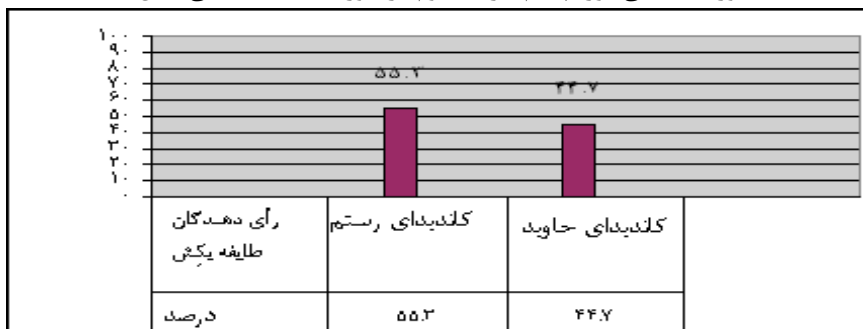
نمودار شماره ۱، درصد رأی‌دهی افراد طایفه جاوید به نامزد طایفه رستم و جاوید در انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم، مرحله دوم در حوزه انتخابیه ممسنی، سال ۱۳۷۴



نمودار شماره ۲، درصد رأی‌دهی افراد طایفه رستم به نامزد طوایف رستم و جاوید در انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم، مرحله دوم در حوزه انتخابیه ممسنی، سال ۱۳۷۴

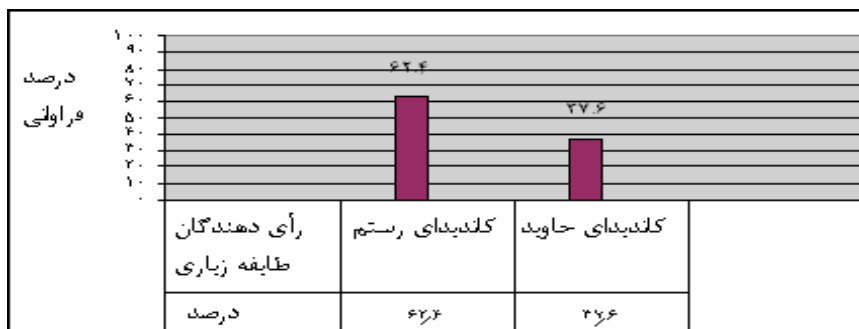


نمودار شماره ۳، درصد رأی‌دهی افراد طایفه بکیش به نامزد طوایف رستم و جاوید در انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم، مرحله دوم در حوزه انتخابیه ممسنی، سال ۱۳۷۴

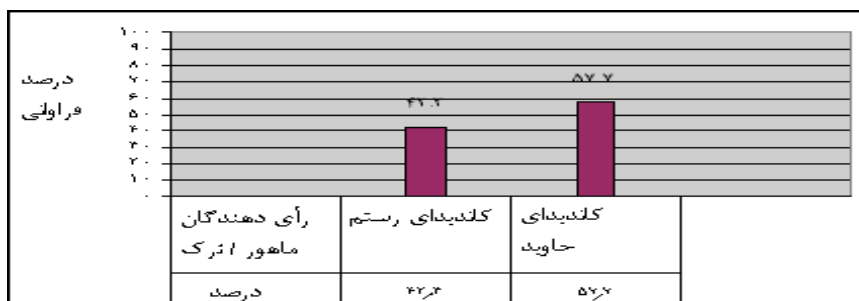


انتخابات و طایفه‌گرایی با تأکید بر روند انتخابات مجالس پنجم تا هشتم شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی

نمودار شماره ۴، درصد رأی‌دهی افراد طایفه دشمن‌زیاری به نامزد طوایف رستم و جاوید در انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم، مرحله دوم در حوزه انتخابیه ممسنی، سال ۱۳۷۴



نمودار شماره ۵، درصد رأی‌دهی افراد ترک زبان به نامزد طوایف رستم و جاوید در انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم، مرحله دوم در حوزه انتخابیه ممسنی، سال ۱۳۷۴



در بررسی بعدی، روند انتخابات مجلس ششم در سال ۱۳۷۸ مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این دوره که به نوعی از متنوع‌ترین انتخابات در سطح شهرستان به لحاظ شرکت همه طوایف و احزاب در رقابت سیاسی بوده است. ۲ کاندیدا از طایفه بکش، ۴ کاندیدا از طایفه جاوید، ۵ نفر از رستم، ۱ نفر از طایفه دشمن‌زیاری و ۱ نامزد هم از عشایر ترک‌زبان شرکت کرده بودند. در این دوره بررسی‌ها حاکی از رأی‌دهی افراد بر پایه هویت طایفه‌گرایی است. گر چه در این بین وجود نامزدهای دارای «هویت اجتماعی - سیاسی» پرنفوذ در شهرستان تا حد کمی مناسبات طایفه‌گرایی را برهم می‌زند.

در این راستا؛ در حوزه‌های روستایی مورد مطالعه و در مکان سکونت طایفه دشمن‌زیاری ۹۳/۴ درصد از رأی‌دهندگان به نامزد هم‌طایفه خود رأی داده‌اند که این بالاترین میزان طایفه‌گرایی در این دوره است. بررسی‌ها در دیگر حوزه‌های رأی‌گیری مربوط به سکونت دیگر طوایف نیز به همین صورت است. بنحویکه از روستاهای مورد مطالعه در محل سکونت طایفه بکیش؛ ۸۲ درصد از افراد به کاندیدای هم‌طایفه و مابقی ۱۸ درصد از افراد به نامزدهای طوایف دیگر رأی داده‌اند. همچنین در حوزه‌های روستایی بخش رستم نیز ۷۴ درصد از افراد، در روستاهای مربوط به سکونت طایفه جاوید با ۸۴ درصد؛ و ساکنین روستاهای بخش ماهور/ ترک‌زبان ۷۱ درصد از آرای خود را به نفع نامزد هم‌طایفه خود به صندوق‌های رأی ریخته‌اند. در سطح حوزه‌های انتخابی شهر نیز چنین وضعیتی قابل مشاهده است. به گونه‌ای که در ۴ محله مورد بررسی در شهر نورآباد با هویت طایفه‌ای «بکیش» و «جاوید» و دو محله از شهر مصیری با هویت طایفه «رستم» هر کدام از رأی‌دهندگان این محلات به ترتیب با ۷۱، ۶۰ و ۷۰ درصد به کاندیدای هم‌طایفه خود رأی داده‌اند. (جدول شماره ۲).

در سال ۱۳۸۲ انتخابات دوره هفتم مجلس با شرکت ۶ نامزد با هویت‌های ایلی؛ ۱ نفر از طایفه بکیش، ۱ نفر از طایفه جاوید و ۴ نفر از طایفه رستم، بدون داشتن کاندیدای دو طایفه دیگر ایل ممسنی برگزار شد. روندها حاکی از شدت طایفه‌گرایی در بخش‌های رستم و جاوید است. بنحویکه در حوزه‌های روستایی مربوط به طایفه جاوید افراد با ۹۵/۵ درصد به کاندیدای هم‌طایفه خویش رأی داده‌اند. در بخش رستم نیز به همین صورت ۸۵ درصد از رأی‌دهندگان در تمام روستاهای مورد مطالعه به نفع نامزدهای طایفه خود رأی به صندوق ریخته‌اند

در حوزه‌های انتخاباتی محلات شهر نورآباد وضعیت تاحدودی نسبت به روستاها فرق می‌کند. به گونه‌ای که در محلات سکونت طایفه بکیش؛ ۶۰ درصد از افراد به نامزد هم‌طایفه خود رأی داده‌اند که این با سیر رأی‌دهی روستاهای محل سکونت طایفه بکیش کمی متفاوت است. در عوض رأی‌دهندگان محلات زندگی طوایف جاوید در نورآباد و رستم در شهر مصیری هر کدام با ۸۰ و ۸۸ درصد رأی، اکثریت به کاندیدای هم‌طایفه خود رأی داده‌اند. پس می‌بینیم: در این دوره نیز طایفه‌گرایی ملاک اصلی شرکت‌کنندگان برای رأی‌دادن به نامزدها در شهرها و روستاهای حوزه انتخابیه ممسنی می‌باشد. (جدول شماره ۳).

انتخابات و طایفه‌گرایی با تأکید بر روند انتخابات مجالس پنجم تا هشتم شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی

عشایر/ ترک	دشمن‌زیاری	جاوید	رستم	بکیش	بکیش	طایفه رای‌دهنده / طایفه
۳۱۵	۱۲۸	۴۱۹	۹۳۳	۸۰۸۹	۹۸۸۰	جمع آرا
۳/۵	۱/۴	۴/۳	۹/۴	۸۱/۸	۱۰۰	درصد
عشایر/ ترک	دشمن‌زیاری	جاوید	رستم	بکیش	رستم	طایفه
۱۴۸	۳۳۳	۸۵۰	۷۸۰۲	۱۴۲۸	۱۰۵۶۱	جمع آرا
۱/۴	۳/۲	۸	۷۳/۸	۱۳/۵	۱۰۰	درصد
عشایر/ ترک	دشمن‌زیاری	جاوید	رستم	بکیش	جاوید	طایفه
۱۴۳	۲۵۲	۶۱۹۵	۴۰۰	۳۸۲	۷۳۷۲	جمع آرا
۱/۹	۳/۴	۸۴	۵/۴	۵/۲	۱۰۰	درصد
عشایر/ ترک	دشمن‌زیاری	جاوید	رستم	بکیش	دشمن‌زیاری	طایفه
۱۲	۱۱۰۰۱	۵۳	۵۹	۶۴۹	۱۱۷۷۳	جمع آرا
۱/۱	۹۳/۴	۱/۴	۱/۵	۵/۵	۱۰۰	درصد
عشایر/ ترک	دشمن‌زیاری	جاوید	رستم	بکیش	عشایر/ ترک	طایفه
۳۹۹۷	۹۷	۲۱۶	۲۰۶	۱۰۷۹	۵۵۹۵	جمع آرا
۷۱/۴	۱/۷	۳/۸	۳/۶	۱۹/۲	۱۰۰	درصد
عشایر/ ترک	دشمن‌زیاری	جاوید	رستم	بکیش	حوزه/ محله سکونت طایفه بکیش- نورآباد	محلات شهر / طایفه رأی‌دهنده
۲۰۳	۸۲	۱۶۵	۱۵۷	۱۴۹۹	۲۱۰۶	جمع آرا
۹/۶	۳/۸	۷/۸	۷/۴	۷۱/۳	۱۰۰	درصد
عشایر/ ترک	دشمن‌زیاری	جاوید	رستم	بکیش	حوزه/ محله سکونت طایفه جاوید- نورآباد	محلات شهر / طایفه رأی‌دهنده
۷۳	۳۵۵	۱۵۶۰	۲۶۱	۳۵۰	۲۵۹۹	جمع آرا
۲/۸	۱۳/۶	۶۰	۱۰	۱۳/۴	۱۰۰	درصد
عشایر/ ترک	دشمن‌زیاری	جاوید	رستم	بکیش	حوزه/ محله سکونت طایفه رستم مصیری	محلات شهر / طایفه رأی‌دهنده
۱۶	۱۰۵	۲۹۰	۱۳۹۸	۱۸۲	۱۹۹۱	جمع آرا
۱/۸	۵/۳	۱۴/۵	۷۰/۲	۹/۱	۱۰۰	درصد

مأخذ: فرمانداری شهرستان ممسنی، نتایج انتخابات مجلس ششم شورای اسلامی، سال ۱۳۷۸. (۴۲)
جدول شماره ۲، درصد رأی‌دهی افراد در حوزه‌های روستایی و شهری ممسنی بر اساس هویت طایفه‌ای نامزدها در انتخابات مجلس ششم شورای اسلامی

جاوید	رستم	بکیش	بکیش	طایفه رای‌دهنده / طایفه
۱۶۲۸	۴۰۹۸	۳۱۴۷	۸۸۷۳	جمع آرا
۱۸/۴	۴۶/۲	۳۵/۴	۱۰۰	درصد
جاوید	رستم	بکیش	رستم	طایفه
۱۸۲۸	۱۰۹۰۶	۷۹	۱۲۸۱۳	جمع آرا
۱۴/۲	۸۵/۱	۱/۶	۱۰۰	درصد
جاوید	رستم	بکیش	جاوید	طایفه
۹۵۷۱	۴۲۳	۱۶	۱۰۰۰۸	جمع آرا
۹۵/۶	۴/۲	۱/۱	۱۰۰	درصد
جاوید	رستم	بکیش	دشمن‌زیاری	طایفه
۳۹۷۳	۳۶۳۱	۱۲۵۰	۸۸۵۴	جمع آرا
۴۴/۸	۴۱	۱۴/۲	۱۰۰	درصد
جاوید	رستم	بکیش	عشایر/ ترک	طایفه
۲۱۱۸	۱۹۸۳	۴۸۱	۴۶۴۷	جمع آرا
۴۶/۹	۴۲/۶	۱۰/۴	۱۰۰	درصد
جاوید	رستم	بکیش	حوزه/ محله سکونت طایفه بکیش - نورآباد	محلات شهر / طایفه رای دهنده
۵۳۳	۲۹۸	۱۲۰۶	۲۰۲۹	جمع آرا
۲۶/۲	۱۴/۶	۵۹/۳	۱۰۰	درصد
جاوید	رستم	بکیش	حوزه/ محله سکونت طایفه جاوید - نورآباد	محلات شهر / طایفه رای دهنده
۲۵۳۹	۶۰۹	۶۴	۳۲۱۲	جمع آرا
۷۹/۱	۱۸/۹	۱/۹	۱۰۰	درصد
جاوید	رستم	بکیش	حوزه/ محله سکونت طایفه رستم مصری	محلات شهر / طایفه رای دهنده
۲۳۷	۱۷۹۱	۱۹	۲۰۴۷	جمع آرا
۱۱/۶	۸۷/۴	۱/۹	۱۰۰	درصد

مأخذ: فرمانداری شهرستان ممسنی، نتایج انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی، سال ۱۳۸۲. (۴۳)

جدول شماره ۳، درصد رأی‌دهی افراد در حوزه‌های روستایی و شهری ممسنی بر اساس هویت طایفه‌ای نامزدها در انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی

انتخابات و طایفه‌گرایی با تأکید بر روند انتخابات مجالس پنجم تا هشتم شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی

طایفه رای‌دهنده / طایفه	بکیش	بکیش	رستم	جاوید
جمع آرا	۹۲۲۶	۸۵۴۶	۸۹	۵۹۱
درصد	۱۰۰	۹۲/۶	۱/۱	۶/۴
طایفه	رستم	بکیش	رستم	جاوید
جمع آرا	۱۱۲۹۳	۴۲۴۰	۴۸۳۵	۲۲۰۹
درصد	۱۰۰	۳۷/۵	۴۲/۸	۱۹/۵
طایفه	جاوید	بکیش	رستم	جاوید
جمع آرا	۷۰۵۳	۳۰۱	۱۴	۶۷۳۸
درصد	۱۰۰	۴/۲	۱/۲	۹۵/۶
طایفه	دشمن‌زیاری	بکیش	رستم	جاوید
جمع آرا	۶۵۲۱	۳۰۵۸	۸۲	۳۳۴۶
درصد	۱۰۰	۴۶/۸	۱/۳	۵۱/۷
طایفه	عشایر / ترک	بکیش	رستم	جاوید
جمع آرا	۴۹۴۴	۲۲۵۸	۲۶۵	۲۴۲۱
درصد	۱۰۰	۴۵/۶	۵/۴	۴۸/۹
محلات شهر / طایفه رای‌دهنده	حوزه / محله سکونت طایفه بکیش - نورآباد	بکیش	رستم	جاوید
جمع آرا	۲۹۲۲	۲۲۰۳	۲۶۴	۴۵۵
درصد	۱۰۰	۷۵/۳	۹/۱	۱۵/۶
محلات شهر / طایفه رای‌دهنده	حوزه / محله سکونت طایفه جاوید - نورآباد	بکیش	رستم	جاوید
جمع آرا	۲۷۸۱	۶۸	۱۳۸	۲۵۷۵
درصد	۱۰۰	۲/۴	۵	۹۲/۵
محلات شهر / طایفه رای‌دهنده	حوزه / محله سکونت طایفه رستم مصیری	بکیش	رستم	جاوید
جمع آرا	۱۶۴۵	۲۷۱	۲۴۷	۱۱۲۸
درصد	۱۰۰	۱۶/۴	۱۵	۶۸/۵

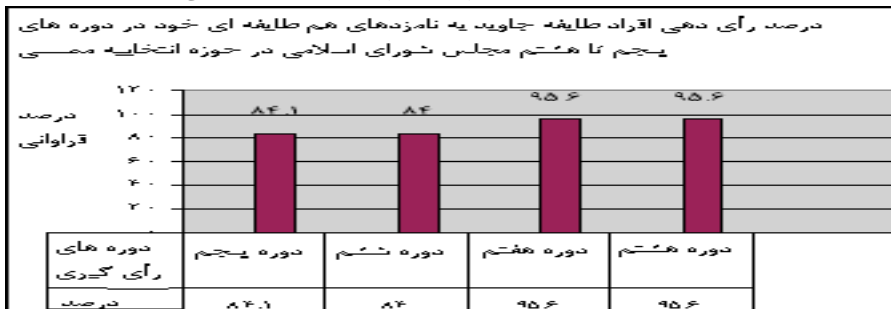
مأخذ: فرمانداری شهرستان ممسنی، نتایج انتخابات مجلس هشتم شورای اسلامی، سال ۱۳۸۶. (۴)

جدول شماره ۴، درصد رأی‌دهی افراد در حوزه‌های روستایی و شهری ممسنی بر اساس هویت طایفه‌ای نامزدها در انتخابات مجلس هشتم شورای اسلامی

آنگونه که از جداول بالا می‌توان استنباط نمود. تکیه بر طایفه‌گرایی و تعصب در تمام دوره‌های رأی‌دهی در بین همه شرکت‌کنندگان روستایی و شهری حوزه انتخابیه ممسنی؛ بالا است. گرچه در این بین نداشتن کاندیدای خاص از هویت «هم‌طایفه‌ای» و داشتن فردی با شخصیت اجتماعی-سیاسی مطرح در کل شهرستان، روند طایفه‌گرایی را تا حد کمی به هم می‌زند. به گونه‌ای که رأی‌دهندگان این طوایف بدون کاندیدا؛ آرای خود را به نفع نامزدهای دیگر طوایف، (عموماً کسانی که بیشترین رأی را در این دوره می‌آورند)، به صندوق‌ها می‌ریزند. رویهم‌رفته روندهای مشارکت سیاسی افراد در ممسنی حاکی از همبستگی بالای بین میزان رأی‌دهی افراد به کاندیدای هم‌طایفه خود در حوزه‌های با هویت طایفه‌ای مشترک در نواحی روستایی و محلات شهری شهرستان می‌باشد (نمودارهای شماره ۶ تا ۸).

نمودار شماره ۶، درصد رأی‌دهی ساکنین طایفه جاوید شهرستان ممسنی به نامزدهای هم‌طایفه خود

در انتخابات دوره‌های پنجم تا هشتم مجلس شورای اسلامی



نمودار شماره ۷، درصد رأی‌دهی ساکنین طایفه رستم شهرستان ممسنی به نامزدهای هم‌طایفه خود

در انتخابات دوره‌های پنجم تا هشتم مجلس شورای اسلامی



انتخابات و طایفه‌گرایی با تأکید بر روند انتخابات مجالس پنجم تا هشتم شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی

نمودار شماره ۸، درصد رأی دهی ساکنین طایفه بکش شهرستان ممسنی به نامزدهای هم‌طایفه خود در انتخابات دوره‌های پنجم تا هشتم مجلس شورای اسلامی



۲. جرایبی تداوم رأی‌دهی افراد بر اساس طایفه‌گرایی در ممسنی:

همانطور که بیان شد: گرایش به خویشاوندان، طایفه و مهم‌تر از همه اهمیت‌دادن به مناسبات فرهنگی و اشتراکات ریشه‌دار قومی / قبیله‌ای در گذشته تاریخی هر سرزمینی سبب انسجام و وحدت نیروهای خودی در قبال دیگر طوایف و ایجاد احساس برتری‌جویی مردم هر طایفه نسبت به مردم دیگر طوایف و ایلات می‌شده است. و در تمام نبردها و دفاع‌ها این اشتراکات و هویت‌خواهی درونی مردم طایفه بود که سبب یکدست‌شدن و نتیجتاً پیروزی و موفقیت افراد یک طایفه بر دیگری و برخورداری از حس برتری‌جویی حاصل از آن می‌شد. اما با اقتضای زمان و فروریختن این‌گونه سنت و ارتباطات جهان‌گستر و به تبع آن گسستن بسیاری از مرزهای فرهنگی - اجتماعی دنیای کنونی؛ در اکثریت جوامع جهانی هویت قوم / طایفه‌گرایی ضمن «هضم» و هماهنگ‌شدن در هویت‌های ملی، در پاره‌ای از کشورها دارای گذشته «عشیره / ایلیاتی» با تغییر شکل و کارکرد؛ رفتار خاص دیگری را در عرصه اجتماع و فرهنگ آن جامعه به جا گذاشته است.

بطور نمونه اگر قبلاً این جنگ و زدوخوردهای فی‌مابین به همراه اتصال به شبکه قدرت در کشور بود که سبب قدرتمندی و برتری یک ایل یا طایفه بر دیگری می‌شد، در روزگار نوین این مشارکت سیاسی برای انتخاب نمایندگان شوراها، مجلس و سیاستمداران در عرصه‌های ناحیه - ای و ملی است که به ظن افراد یک طایفه برای آنها برتری اقتصادی - خدماتی و اجتماعی - سیاسی به همراه می‌آورد. شاید «این حاصل از ذهنیت تاریخی - اجتماعی ما ایرانیان باشد که در فرهنگ ایلی یک فرد (نظیر یک مسئول و یک نماینده مجلس) می‌بایست در حلقه اول منافع ایل و تبار خود را در نظر گیرد».^(۴۵) بدین ترتیب تمام افراد ایل یا طایفه در محدوده

حوزه‌های انتخابیه شهری و روستایی در راستای برخورداری از منافع حاصل از برگزیدن فرد نماینده از طایفه خویش اقدام به رأی‌دهی برپایه هویت‌خواهی طایفه‌ای می‌کنند. در این پژوهش برای اینکه بهتر بتوانیم چرایی این گزینش و علت تداوم روند آن را در ممسنی تحلیل نمائیم، فرایند انتصاب مسئولین ارشد ادارات و سازمانهای شهرستان را در دو دوره مجلس هفتم و هشتم که نماینده منتخب از دو طایفه متفاوت ایل ممسنی بوده است، را با تکیه بر هویت طایفه‌ای این افراد با یکدیگر مقایسه و بررسی می‌کنیم.

با توجه به اینکه اکثریت حامیان نامزدها و رأی‌دهندگان تحصیلکرده ممسنی در ادارات و سازمانهای دولتی ناحیه مشغول به کار و خدمت هستند، بررسی‌ها حاکی از نوعی تعصب، (خواسته شده از سوی مردم و افراد با نفوذ) نسبت به انتصاب مدیران ارشد شهرستان منجمله فرماندار، بخشداران، رئیس آموزش و پرورش و شبکه بهداشت و درمان و رؤسای دانشگاه‌های پیام‌نور و آزاد اسلامی از افراد با هویت هم‌طایفه نماینده در انتخابات در هر دو دوره می‌باشد.

بطور کلی از ۲۰ نفر مسئول ارشد شهرستان در دوره چهارساله مدیریت نماینده مجلس هفتم، ۵۵ درصد از هم‌طایفه‌های نماینده، ۲۵ درصد از طوایف دیگر و ۲۰ درصد مسئولین از افراد غیربومی منتصب شده‌اند. همچنین در دوره مدیریت نماینده مجلس هشتم؛ تاکنون ۵۵ درصد مدیران از افرادی با هویت طایفه نماینده، ۱۵ درصد غیربومی و ۳۰ درصد از دیگر طوایف شهرستان انتخاب شده‌اند. (جدول شماره ۵). البته ناگفته نماند که مسئولیتها در سطح ناحیه و در شهر نورآباد عمدتاً از افراد دو طایفه جاوید و بکش بوده است. و مسئولین دیگر بخشها (رستم، دشمن‌زیاری و ترک) از افراد دیگر طوایف ایل ممسنی (هماهنگ با هویت طایفه‌ای در بخش و دهستان) انتخاب گردیده‌اند.

درصد	غیر بومی	درصد	دیگر طوایف	درصد	طایفه جاوید	درصد	طایفه بکش	نماینده مجلس / طایفه
۱۵	۳	۱۰	۲	۲۰	۴	۵۵	۱۱	مجلس هشتم / طایفه بکش
۲۰	۴	۵	۱	۲۰	۴	۵۵	۱۱	مجلس هفتم / طایفه جاوید

مأخذ: مطالعات میدانی با اقتباس از اطلاعات فرمانداری ممسنی، سال ۱۳۸۸.

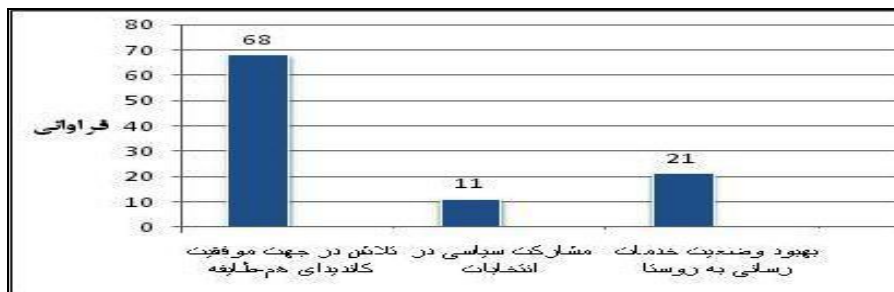
جدول شماره ۵، ارتباط بین مدیریت نماینده مجلس شورای اسلامی، انتصاب مدیران ارشد و هویت طایفه در شهرستان ممسنی در دوره‌های مجالس هفتم و هشتم

برپایه جدول فوق مشاهده می‌شود که در هر دو دوره زدوبندهای ایلی و طایفه‌ای نقش مهمی در انتصاب مسئولین شهرستان داشته است. گرچه این روند از همان اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ممسنی و انتصاب مسئولین بر پایه طایفه‌گرایی و همچنین نفوذ افراد ریش‌سفید و به ویژه تحصیلکرده‌گان در گذر زمان خود سبب دامن زدن به این امر شده است. چرا که این ذهنیت در بین ساکنین ممسنی شکل گرفته است که با پیروزی نامزد طایفه خاص در انتخابات افراد آن طایفه از امتیازات بیشتری برخوردار می‌گردند و این خود همانند یک چرخه سبب ایجاد انگیزه بیشتر در افراد برای رأی‌دادن به فردی از هویت طایفه و نهایتاً شکل‌گیری فرهنگ سیاسی طایفه‌گرایی در نهاد جامعه ممسنی می‌شود. همچنین در شهرستان ممسنی اقشار متوسط به ویژه تحصیلکردگان جامعه در راستای دستیابی به منافع و رسیدن به اهداف خویش با تبلیغات و گاهاً جنجال بر سر برخوردهای حذفی (توسط طایفه رقیب) و دعوت از عموم افراد طایفه، موجب طایفه‌گرایی و جهت‌دهی به جریان مشارکت سیاسی در حوزه ممسنی می‌شوند.^(۴۶)

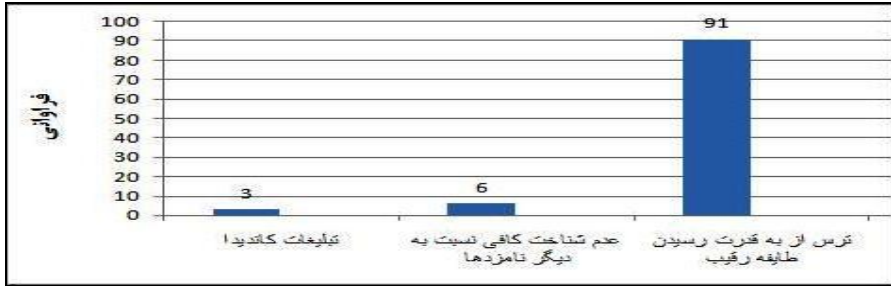
برای اینکه چرایی این موضوع را به طور بهتر درک نماییم با پرسش از ۱۵۰ نفر، به طور نسبی از هر طایفه ۳۰ نفر (افراد منتفذ و تحصیلکرده)، موضوع را بررسی نموده‌ایم. در این مورد، تمامی شرکت‌کنندگان در مقابل این پرسش که انگیزه شما از حضور در انتخابات برای رأی‌دادن به نماینده مجلس شورای اسلامی چیست؟ بیش از ۶۸ درصد از پاسخ‌دهندگان انگیزه خود را تلاش در جهت موفقیت کاندیدای مورد نظر در طایفه خود برشمرده‌اند. (نمودار شماره ۹).

بعد از پی‌بردن به انگیزه افراد در رأی‌دادن به نامزدها، چرایی عمل آنها را در گزینش کاندیدای هم‌طایفه خویش جویا گشتیم. در پاسخ ۹۱ درصد از افراد پرسش‌شونده در انتخابات، ترس ذهنی از قدرت‌یابی طایفه رقیب به ویژه میان (طوایف بکش و جاوید) و تلاش برای اعاده حیثیت در به دست آوردن پست‌های مدیریتی در شهرستان را از عامل اصلی دادن رأی به فرد هم‌طایفه خود ذکر کردند. (نمودار شماره ۱۰).

نمودار شماره ۹، انگیزه افراد طوایف مختلف ممسنی از شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی



نمودار شماره ۱۰، دلایل ابراز شده از سوی افراد رأی دهنده طوایف مختلف ممسنی به نامزد هم‌طایفه خود در انتخابات مجلس شورای اسلامی



در این راستا: افراد و رأی‌دهندگان طوایف مختلف ممسنی به ویژه ساکنین روستاها سعی می‌کنند با بسیج تمام سرمایه‌های انسانی و مادی خود به هر نحو از این انتخابات و نتیجه آن، با پیروزی نامزد هم‌طایفه خود سربلند بیرون آیند، زیرا که در پشت این انتخاب، نوید خدمات‌رسانی بیشتر به روستاها، کسب اعتبار و افزایش وجه اجتماعی - سیاسی طایفه در شهرستان نهفته است. بنابراین نماینده منتخب می‌بایست با خاص‌گرایی در مقابل سهم‌خواهی و توقع افراد، به وعده‌ها و نیت رأی‌دهندگان طایفه خود جامه عمل بپوشاند. کما اینکه در این زمینه تحقیقات میدانی در ارتباط با مدیریت دوره‌های پنجم، ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی که نماینده‌های منتخب از سه طایفه مختلف در ممسنی بوده‌اند، حاکی از رابطه مستقیم میان هویت طایفه‌ای نماینده مجلس در خاص‌گرایی و سهم‌دهی ناحیه‌ای و نیز بهبود خدمات‌رسانی و افزایش اعتبارات به افراد و روستاهای هم‌طایفه خویش می‌باشد.^(۴۷) بنابراین مشاهده می‌شود: بازتاب سنت، پایبندی به اصول نانوشته ایلی/ طایفه‌ای، تلاش برای برتری‌جویی و به دست آوردن قدرت و حیثیت اجتماعی - سیاسی در ممسنی بین افراد و ساکنین هر طایفه خود عاملی مهم برای رأی‌دهی بر اساس طایفه‌گرایی بوده است. همچنین عملکرد نمایندگان منتخب دوره‌های متفاوت مجلس در شهرستان و چگونگی رفتار آنان در انتصاب مسئولین و مدیران ارشد ناحیه و نوع نگاه خاص‌گرایانه آنان به افراد و سکنة طایفه خود عاملی مهم می‌باشد که در کنار دیگر عوامل به طور غیرمستقیم بر رفتار و تصمیم به طایفه‌گرایی و تداوم روند آن در بین رأی‌دهندگان ممسنی تأثیر گذاشته است.

جمع‌بندی:

مشارکت سیاسی و اعم از آن توسعه سیاسی یکی از مهم‌ترین ارکان دستیابی به توسعه پایدار انسانی در یک جامعه می‌باشد. از این‌رو در پژوهش حاضر با هدف تحلیل رفتار انتخاباتی رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه ممسنی دریافتیم که: مشارکت و الگوی رأی‌دهی افراد روستایی و شهری حوزه انتخابیه ممسنی در انتخابات و نوع رفتار سیاسی آنها در گزینش نامزدها کاملاً منطبق با الگوی تعصب و طایفه‌گرایی در راستای اهداف و اشتراکات اجتماعی - «ایلیاتی» - بازمانده از دوران سنت با شکل تغییر یافته آن در ناحیه است. بطوریکه در چهار دوره مورد بررسی عموماً بسته به اینکه افراد طایفه شرکت‌کننده در انتخابات نامزد واحد و با شخصیت سیاسی - اجتماعی مطرح در ناحیه داشته باشند یا نه، ساکنین هر طایفه بالاتر از ۸۰ درصد از آرای خود را به نفع کاندیدای هم‌طایفه خود به صندوق ریخته‌اند. و این انتخاب نماینده عموماً بدون شناخت و بررسی پیرامون رفتار دیگر نامزدها و فرد منتخب انجام می‌گیرد و ملاک اصلی رأی‌دهی افراد «داشتن هویت طایفه‌ای مشترک» است. در این میان گاهاً نزاع‌های قومی / طایفه‌ای در بین روستاهای هم‌جوار با طوایف مختلف و همچنین درگیری‌های خیابانی در سطح شهر نورآباد بین ساکنین و طرفداران هر طایفه برای تأثیرگذاری بر جریان‌های سیاسی - اجتماعی شهر و یا اثبات برتری خود از چهره‌های زشت هر دوره از انتخابات در ممسنی است.

این نقش‌آفرینی پررنگ هویت طایفه‌ای در جهت‌دهی به انتخاب نماینده مجلس در کلیه دوره‌های رأی‌گیری مورد بررسی اصولاً به دلیل دخالت افراد بانفوذ، رؤسای فامیل‌ها و گاهاً کژکاری افراد تحصیلکرده و شاغل در کادرهای آموزشی و مراکز اداری شهرستان در راستای برخورداری از منافع شخصی و جمعی بوده است. البته عملکرد نمایندگان منتخب مجلس و خاص‌گرایی آنان در راستای سهم‌خواهی افراد هم‌طایفه خود؛ به ویژه اعمال نفوذ آنها در تعیین رؤسا و مدیران ارشد شهرستان از افراد هم‌طایفه نماینده در تمام دوره‌ها به طور غیرمستقیم بر مشارکت سیاسی افراد بر پایه طایفه - گرایی در ناحیه تأثیر مهم گذاشته است. بنحویکه اکثریت پرسش‌شدگان ترس ذهنی از به قدرت رسیدن طایفه رقیب و از دست دادن منافع احتمالی خود را دلیل اصلی رأی‌دهی به نامزد هم‌طایفه خویش ذکر کرده‌اند. در نهایت بازتاب سنت، پایبندی به اصول نانوشته ایلی / طایفه‌ای و بازبانی مرزبندی‌های سنتی در قالب‌های نوین، تلاش برای برتری‌جویی و به دست آوردن قدرت و حیثیت اجتماعی - سیاسی در ممسنی بین افراد و ساکنین هر طایفه در راستای برخورداری از یکسری منافع شخصی و عمومی در کنار نوع نگاه خاص‌گرایانه نماینده منتخب به افراد و ساکنین هم‌طایفه خود در توزیع منابع و منافع حاصل از دستیابی به قدرت به طور غیرمستقیم؛ سبب تداوم روند طایفه‌گرایی در ممسنی شده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. چلبی، مسعود و حسین اکبری، «توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی مطالعه تطبیقی طولی (۲۰۰۰-۱۹۷۰)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳، ۱۳۸۳، ص ۴۱.

۲. عیوضی، محمدرحیم، «تبیین مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی»، دو ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۶-۱۹۵، آذر و دی ۱۳۸۲، ص ۷۰.

۳. گلچین، مسعود، حق‌خواه، مزگان و فرشته سیدی، «فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عوامل مرتبط با آن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تربیت معلم تهران)، سال ۱۶، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۸۷، صص ۲۳۳-۲۳۱.

۴. رابرتسون، یان، «درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نهادی)»، ترجمه: حسین بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، مشهد، ۱۳۷۴، ص ۲۵۲.

۵. لژ، کریس، اینگلهارت، رونالد و دیتر کلینگمان، «توسعه انسانی، نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی»، ترجمه: هادی جلیلی، انتشارات طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲، ص ۴-۳.

۶. Vengroff, Richard «Political participation». <http://www.ucc.uconn.edu / vengroff/polpart, html>, (2006): pp 1-6 .

۷. Vaccary, Crisitian, «The Present and Future of Democracy and Civic Engagement in the Age of Mass Communications Lecture I»: Introduction to political participation and mass communications. University of Denver. (2003): pp 2-3 .

۸. Dressler, W, «A Working Definition of Culture», Department of Anthropology and School of Social Work, University of Alabama, (2002): pp 2-4.

۹. Almond, G.A and B. Powell, «comparative Political: AWorldview», New York: Harper Colling Publishers. (1992): p 39 .

۱۰. وثوقی، منصور و عبدالرسول هاشمی، «روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران مطالعه موردی: روستاهای حومه شهرستان بوشهر»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۲-۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۶۲.

۱۱. گلچین، مسعود، حق‌خواه، مزگان و فرشته سیدی، «پیشین»، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰.

۱۲. بشیریه، حسین، «ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم در دوره پهلوی»، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۷ و ۸، ۱۳۷۵، صص ۷۴-۸۵.
۱۳. کاتوزیان، محمدعلی همایون، «استبداد؛ دموکراسی و نهضت ملی»، نشر مرکز، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۰.
۱۴. امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد و قاسم منفرد، «ریشه‌های تاریخی توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران (تا قبل از انقلاب اسلامی) از منظر اندیشه‌گران لیبرال و اسلامی»، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵، پاییز ۱۳۸۳، صص ۵۸-۳۵.
۱۵. میرزائی، غفور، «فردا در اسارت دیروز؛ بررسی عوامل سازنده ساختار فرهنگی و حکومتی در تاریخ ایران»، انتشارات عطائی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
۱۶. بشیریه، حسین، «موانع توسعه سیاسی در ایران»، انتشارات گام نو، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۸.
۱۷. سریع‌الْقلم، محمود، «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۳۸ - ۱۳۵، ۱۳۷۷.
18. Greenholtz, J. «Assessing Cross-cultural Competence in Transnational Education: The Intercultural Development Inventory», in Higher Education in Europe, vol 3, (2000): p 412 .
۱۹. برتون، رولان، «قوم‌شناسی سیاسی»، ترجمه: ناصر فکوهی، نشر نی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴، صص ۲۳.
۲۰. وثوقی، منصور و علی‌اکبر نیک‌خلق، «مبانی جامعه‌شناسی»، نشر خردمند، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، صص ۱۲۸.
۲۱. جواهری، فاطمه، «کندوکاوی در آثار قشربندی جامعه بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان بر گرایش‌ها و رفتار آنان»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۶، صص ۸۸.
22. Jenkins, r. «Rethinking Ethnicity»: Arguments and Explorations London, (1997): p 76.
۲۳. مجتهدزاده، پیروز، «هویت ایرانی در آستانه سده بیست و یکم»، دو ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۰-۱۲۹، ۱۳۷۷، صص ۱۲۵-۱۲۴.
۲۴. گیدنز، آنتونی، «چشم‌اندازهای جهانی‌شدن»، ترجمه: حمیدرضا جلائی‌پور، نشر طرح‌نو، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴، صص ۴۷.

- ^{۲۵}. ربانی، رسول و یعقوب احمدی، «جهانی شدن و آینده فرهنگی‌های بومی»، دو ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۱۶-۲۱۵، مرداد و شهریور ۱۳۸۴، ص ۴۸.
- ^{۲۶}. Pluss, Carolin. «Constructing Globalized Ethnicity, Migrants From India in Hong Kong», International Sociology, June, Vol 20(2). (2005):pp 201-224.
- ^{۲۷}. شعبانی، رضا، «مبانی و تاریخ اجتماعی ایران»، نشر قومس، چاپ نهم، تهران، ۱۳۸۸.
- ^{۲۸}. Ershad. Farhang. «The Impacts of the political clan-system on the social-historical transformation of the Iranian society», Journal of social sciences & humanities of shiraz university, vol. 24, no 2. (2006): pp 2-3.
- ^{۲۹}. رفیع‌پور، فرامرز، «عناصر زیربنایی جامعه ایران: نظام ایلی، دولت ستیزی و ساختار فئودال»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۲ - ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۴۲.
- ^{۳۰}. امان‌اللهی‌بهاروند، سکندر، «تضاد بین قوانین دولتی و قوانین سنتی ایلات لرستان و پیامدهای آن»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۵۵.
- ^{۳۱}. چلبی، مسعود، «جامعه‌شناسی نظم»، نشرنی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵، صص ۲۷۴-۲۷۵.
- ^{۳۲}. هیودی، محمدرضا، «نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی»، پایا نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۴.
- ^{۳۳}. کلانتری، صمد، «انتخابات شگفت‌انگیز و گیج‌کننده»، دو ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۱۴-۲۱۴، خرداد و تیر ۱۳۸۴، صص ۱۵-۴.
- ^{۳۴}. مردیها، مرتضی، «تناقض‌نمای نظری ناسیونالیسم»، مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۵۰.
- ^{۳۵}. کریمی‌مله، علی، «پتانسیل‌های تبدیل رقابت به منازعه سیاسی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۸۰، ص ۶۴.
- ^{۳۶}. حبیبی‌فهلپانی، حسن، «ممسنی در گذرگاه تاریخ»، نشر نوید، چاپ اول، شیراز، ۱۳۷۱، صص ۳۶-۳۷.
- ^{۳۷}. دومورینی، ژ، «عشایر فارس»، مترجم: جلال‌الدین رفیع‌پور، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵، ص ۵۲.
- ^{۳۸}. مجیدی‌کرائی، نورمحمد، «تاریخ و جغرافیای ممسنی»، انتشارات مرکز علمی فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۱، تهران.

۳۹. مقدس، علی‌اصغر و اله‌رحم حیدری، «رابطه هویت طایفه‌ای و هویت ملی با تأکید بر متغیرهای نگرشی در شهر نورآباد ممسنی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۵۴.
۴۰. مقدس، علی‌اصغر و اله‌رحم حیدری، «پیشین»، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۵۲.
۴۱. فرمانداری ممسنی، «گزارش نهایی شمارش آرای دوره پنجم مجلس شورای اسلامی»، نورآباد، ۱۳۷۴.
۴۲. فرمانداری ممسنی، «گزارش نهایی شمارش آرای دوره ششم مجلس شورای اسلامی»، نورآباد، ۱۳۷۸.
۴۳. فرمانداری ممسنی، «گزارش نهایی شمارش آرای دوره هفتم مجلس شورای اسلامی»، نورآباد، ۱۳۸۲.
۴۴. فرمانداری ممسنی، «گزارش نهایی شمارش آرای دوره هشتم مجلس شورای اسلامی»، نورآباد، ۱۳۸۶.
۴۵. رفیع‌پور، فرامرز، «پیشین»، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۴۳.
۴۶. کرمی، مهران، «بن‌بست‌های طایفه‌ای و عشیره‌ای در ممسنی»، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی فراسو، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷، صص ۹-۴.
۴۷. شهریور، هومان، «نقش مشارکت سیاسی افراد در انتخابات و تأثیر آن بر خدمات‌رسانی روستایی در شهرستان ممسنی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۸۶.